

آشنایی با قانون اساسی و نظام حکومتی استرالیا

دکتر فرهاد طلایی*

«۱۳۸۰/۹/۲۹»

مقاله حاضر به بررسی چگونگی پیدایش قانون اساسی استرالیا و نظام حکومتی فدرال این کشور می‌پردازد. در این راستا ویژگی‌های قانون اساسی مزبور توضیح داده می‌شود^(۱) و به آثار بوجود آمده در پرتو پذیرش این قانون اساسی توجه می‌گردد. این مقاله نهادهای حکومتی را در نظام فدرالی استرالیا مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد و به تشریح قدرتهای دولت^(۲) فدرال و دولتهای ایالتی و محلی در این کشور می‌پردازد. در این چهارچوب خصوصیات قوای مقننه، مجریه و قضائیه دولت فدرال استرالیا تشریح گردیده و به اختیارات دولتهای ایالتی در زمینه هائی چون امور قانونگذاری و اجرائی و نیز به نقش دولتهای محلی اشاره لازم صورت می‌گیرد. این مقاله نتیجه می‌گیرد قانون اساسی استرالیا که پایه نظام حکومتی فدرال این کشور را تشکیل داده است بطور نسبی از استحکام برخوردار بوده و برای حدود یک قرن به حیات خود ادامه داده است. در ضمن اگر چه نظام فدرالی استرالیا در طول حیات خود با مسائلی روبرو گردیده، در مجموع نظامی منطبق بر رویه حکومتی در تاریخ این کشور است. بهرحال قانون اساسی استرالیا گاه نیازمند اصلاح و تغییر بوده تا پاسخگوی نیازهای اساسی این کشور باشد. در همین راستا و به دنبال حرکت آغاز شده در جهت

* - استادیار دانشکده حقوق دانشگاه شیراز

۱ - اساس تجزیه و تحلیل صورت گرفته در این مقاله متن انگلیسی قانون اساسی استرالیا می‌باشد که از سوی مرکز نشر انتشارات دولت استرالیا در سال ۱۹۹۵ میلادی به چاپ رسیده است در ضمن برای دسترسی به متن انگلیسی قانون اساسی استرالیا به منبع ذیل بنگرید. این منبع در کتابخانه دانشکده حقوق دانشگاه شیراز موجود است.

International Encyclopaedia of Laws: Texts of Constitutions (1), Australia: Text of the Constitution, Kluwer Law International, The Hague, 2000, pp.5-32.

۲ - در این مقاله اشاره به "دولت" به مفهوم نهاد حکومتی متشکل از قوای سه گانه مقننه، مجریه و قضائیه می‌باشد. همچنین اشاره به "قانون اساسی" اشاره به قانون اساسی استرالیا می‌باشد.

تغییر نظام موجود در این کشور از نظامی مرتبط با بریتانیا به نظام جمهوری (فدرال)، این قانون اساسی ممکن است بار دیگر در سالهای آتی برای اصلاح ساختار حکومتی استرالیا به همه بررسی گذاشته شود. بویژه آنکه همه بررسی سال ۱۹۹۹ استرالیا نشان داد که حمایت و تمایل قابل توجهی از سوی مردم استرالیا در دستیابی به یک نظام جمهوری وجود دارد. بهر حال حتی با تبدیل نظام حکومتی استرالیا به جمهوری بنظر نمی‌رسد که در عمل تغییرات بنیادینی در شیوه کارکرد نظام فدرال این کشور بوجود آید.

واژه‌های کلیدی:

حکومت فدرال - قانون اساسی استرالیا - دولت فدرال - دولت‌های ایالتی - دولت‌های محلی - مجالس قانونگذاری (پارلمان) - دیوان عالی استرالیا.

۱- مقدمه:

در جهان نظام‌های حکومتی گوناگونی وجود دارند. اساس این نظامها در جوامع توسعه یافته بر قوانین اساسی استوار است. در واقع قانون اساسی هر کشور بنیاد حقوقی و سیاسی آنرا تشکیل می‌دهد و روابط میان نهادهای حکومتی (بویژه قوای مقننه، مجریه و قضائیه) و مردم را تنظیم می‌نماید. قانون اساسی استرالیا نیز چنین نقشی را بر عهده دارد. بر اساس قید (۳) مصوبه ۱۹۰۰ میلادی قانون اساسی استرالیا^(۱)، نظام حکومتی این کشور بر مبنای یک نظام دولتی فدرال پایه ریزی شده است. نظام فدرال استرالیا یک نمونه از نظام‌های حکومتی فدرال در جهان است. این نظام‌های حکومتی فدرال همواره از شباهت کاملی برخوردار نیستند. به عنوان مثال اگر چه نظام‌های فدرالی در استرالیا، کانادا و ایالات متحده آمریکا شباهتهایی را با هم دارند، برخی تفاوتها میان آنها منجر به تفکیک میان نظام‌های فدرالی مزبور می‌گردد.^(۲)

در ضمن باید توجه داشت که بسته به اینکه توزیع اختیارات میان دولت مرکزی و

1- Clause 3 of the Act to Constitute the Commonwealth of Australia, 9th July 1900.

از آنجائی استرالیا یکی از مستعمرات بریتانیا محسوب می‌گردید، این قانون توسط پارلمان بریتانیا وضع گردید

۲- برای مطالعه تطبیقی قوانین اساسی و نظام‌های حکومتی، برای نمونه، بنگرید به:

دولت‌های عضو^(۱) فدرال به چه میزان باشد، نظام‌های حکومتی ممکن است به نظام‌های حکومتی فدرال یا شبه فدرال^(۲) تقسیم شوند.^(۳) بهر حال برای آشنائی با مفاهیم اساسی تشکیل دهنده یک نظام حکومتی فدرال، به خصوصیات مشترک در نظام‌های فدرالی (که استرالیا را نیز در بر می‌گیرد) در ذیل اشاره می‌گردد.

می‌توان خصوصیات مشترک نظام‌های فدرالی جهان را در پنج ویژگی ذیل خلاصه نمود:

ابتدا آنکه اینگونه نظامها بطور معمول از قانون اساسی مدونی برخوردار می‌باشند که چگونگی نظام حکومتی آنها را ترسیم نموده است. بنابراین حقوق اساسی نوشته‌ای وجود دارد که مبنای نظام حکومتی است. همچون بسیاری از قوانین اساسی دیگر، قوانین اساسی نظام‌های فدرالی از استواری زیادی برخوردار هستند و به آسانی قابل تغییر نمی‌باشند. هدف از چنین استحکامی حفظ شکل اولیه قانون اساسی تا حد امکان می‌باشد. در ضمن در یک نظام فدرال قانون اساسی از سوی یک دولت عضو (در استرالیا دولت‌های فدرال و ایالتی) قابل اصلاح نمی‌باشد و بطور معمول اصلاح آن مبتنی بر اصل همه پرسی^(۴) می‌باشد.

دوم آنکه، در نظام فدرالی یک توزیع قدرت میان دولت مرکزی و دولت‌های عضو (بطور عمده دولت‌های ایالتی در استرالیا) وجود دارد که اساس آن قانون اساسی فدرال استوار است. در واقع جوهره هر نظام فدرالی بر پایه توزیع قدرت است. در اینگونه نظام حکومتی وظایف و مسئولیتها در هر سطح دولتی توسط قانون اساسی تعیین می‌شود تا از

۱- این دولت‌های عضو در کشورهای گوناگون به نامهای متفاوت نامیده می‌شوند. برای مثال در استرالیا و ایالات متحده آمریکا، ایتالیا و کانادا، سوئیس، فرانسه، آلمان و ژاپن به ترتیب به آنها States ، Province ، Cantons ، Department ، Lander ، و Prefectures گفته می‌شوند. البته این تفاوت در نامها تأثیری در تعیین نوع نظام حکومتی آنها ندارد. برای مطالعه نظام حکومتی سوئیس بعنوان یکی دیگر از نظام‌های حکومتی فدرال بنگرید به:

Dessementet, F. and T. Ansay(eds.), Introduction to Swiss Law, Second Revised Edition, Kluwer Law International, The Haque, 1995. 2- Quasi - Federal.

۳- برای نمونه جمهوری فدرال آلمان در جرگه کشورهای با نظام حکومتی شبه فدرال قرار می‌گیرد.

See Benton, W., The Newence of Britanica, Vol.5, London, 1974, pp.87-88.

4- Referendum.

تعارض میان دولت‌ها در سطوح گوناگون پیشگیری شود. بطور معمول قدرتهای ویژه و محدود (ولی دارای اهمیت) به دولت مرکزی داده می‌شود و قدرتهای وسیعی به دولت‌های عضو تفویض می‌گردد.^(۱) گاهی نیز انطباق (همپوشی) یا تعارض صلاحیت‌ها پیش می‌آید که سعی می‌گردد در سایه همزیستی مورد حل و فصل قرار گیرند.

سوم آنکه، دادگاه‌ها و بویژه دیوان عالی فدرال^(۲) در نظام فدرالی از اهمیت خاصی برخوردار هستند. دادگاه‌های صلاحیت دار و بخصوص دیوان عالی در نظام فدرال، مراجع صلاحیت دار برای رسیدگی به اختلافات میان دولت فدرال و دولت‌های عضو در نظام فدرالی هستند، اختلافاتی که ممکن است در اثر عملکرد این دولت‌ها رخ دهد. دیوان عالی فدرال دارای این صلاحیت است که اقدام دولت فدرال را مورد بررسی قرار داده و اظهار نظر نماید که آیا چنین اقدامی در چهارچوب قانون اساسی فدرال می‌باشد یا خیر. بنابراین دیوان عالی فدرال در واقع حق تفسیر قانون اساسی را دارد. در ضمن در نظام فدرال یکی از نقش‌های دادگاه‌ها حفظ حقوق شهروندان در مقابل دخالت‌های خلاف قانون اساسی دولت مرکزی یا دولت‌های عضو فدرال است. بدین ترتیب بدون وجود دادگاه‌ها در عمل اجرای یک نظام فدرالی به سادگی امکان پذیر نیست، زیرا که فدرالیسم به مفهوم اجرای وظایف حکومتی در چهارچوب قانون است.^(۳)

چهارم آنکه، در یک نظام فدرال اصل بر تفکیک قوا است، اگر چه گاهی در برخی نظام‌های فدرالی تفکیک کاملی میان قوای مقننه و مجریه (نظیر آنچه در استرالیا موجود می‌باشد) دیده نمی‌شود.^(۴) بهر حال اساس نظام فدرال بر تفکیک قوای مقننه، مجریه و قضائیه است و این قوا بطور مستقل از یکدیگر به اجرای وظایف خود می‌پردازند. در این میان استقلال قوه قضائیه در یک نظام فدرال از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. هدف از تفکیک قوا اجرای وظایف و مسئولیت‌های قوای سه گانه بطور مستقل از یکدیگر است.

۱- در کانادا این موضوع بر عکس است، یعنی آنکه دولت مرکزی دارای صلاحیت‌ها و قدرتهای وسیع‌تری است.

۲- دیوان عالی در استرالیا "High Court" خوانده می‌شود، در حالی که در کانادا و ایالات متحده آمریکا عبارت "Supreme Court" به کار می‌رود. بهر حال این دیوان‌ها بطور اساسی وظایف مشترکی را دارند.

3- Lane, P.H, An Introduction to the Australian Constitution, Sydney, The Law Book Company Limited, 1994, p.18.

۴- Lane این تفکیک کامل قوا را در یک نظام فدرال ضروری نمی‌داند. (همان منبع پیشین).

بر این مبنا قوه مقننه به وضع قوانین می‌پردازد، قوه مجریه وظیفه اجرای قوانین و اجرای وظیفه حکومتی از طریق نهادهای دولتی را دارد، و قوه قضائیه به امور حقوقی و کیفری از جمله در زمینه جرائم و اختلافات ناشی از قراردادهای میان افراد و نهادهای تجاری رسیدگی نموده و صلاحیت تفسیر قانون اساسی را (در دیوانهای صلاحیتدار) دارا می‌باشد.

پنجم آنکه در قوانین اساسی نظامهای فدرال به حقوق و آزادیهای مدنی شهروندان اشاره می‌شود. چنین حقوق و آزادیهایی یا بصورت یک مجموعه و به عنوان بخشی از قانون اساسی می‌باشند^(۱) یا آنکه در جای جای قانون اساسی و برحسب مورد بدانها تصریح می‌شود. هدف از چنین تصریحی به دلیل اهمیت قانون اساسی است چرا که هیچ قانونی در نظام فدرال نبایستی برخلاف قانون اساسی باشد. بدین ترتیب حقوق و آزادیهای مدنی و فردی از پشتوانه مستحکمی برخوردار می‌گردند. البته چنین خصیصه‌ای در قوانین اساسی نظامهای حکومتی دیگر نیز بطور معمول یافت می‌شود، گرچه میزان این حقوق و آزادیها ممکن است یکسان نباشد.

۲- بررسی ابعاد گوناگون قانون اساسی استرالیا

در این قسمت از مقاله مفید بنظر می‌رسد که به زمینه‌های تاریخی، ساختار و آثار قانونی اساسی استرالیا پرداخته شود.

۱-۲- زمینه تاریخی قانون اساسی استرالیا

پس از استقرار اتباع بریتانیا در استرالیا در سال ۱۷۸۸ میلادی، نواحی گوناگون استرالیا به عنوان مجموعه‌ای از مستعمرات بریتانیا درآمدند. بدین ترتیب استرالیا از

۱- این مجموعه حقوق و آزادیهای فردی و مدنی به "Bill of Rights" موسوم می‌باشد. اساس درج چنین مجموعه‌ای در قوانین اساسی با عنوان مجموعه‌ای مستقل آنست که قوه مقننه را از وضع قوانین مخالف حقوق و آزادیهای بنیادین افراد منع نمایند. از مهمترین اهدافی که برای تهیه این مجموعه حقوق و آزادیها مورد تأکید قرار می‌گیرند، عبارتند از: (الف) افزایش آگاهی‌های مردم نسبت به حقوق خود، (ب) دادن قدرت کافی به مردم در جهت نظارت بر اقدامات کسانی که بر آنها حکومت می‌نمایند، (ج) آوردن فشار به دولت جهت وضع قوانین برای حمایت از حقوق خاص، و (د) حمایت بیشتر از اقلیتها.

مجموعه مستعمرات بریتانیایی تشکیل شد که برای هر یک فرمانداری از سوی بریتانیا تعیین می‌گردید. بتدریج و در طول زمان این مستعمرات به دولتهای منطقه‌ای (ایالتی) تبدیل گردیدند و از خود دارای قانون اساسی و نظام حکومتی گشتند. این دولتهای ایالتی دارای اختیارات قانونگذاری، اجرایی و قضائی بودند. در سال ۱۹۰۰ میلادی این دولتهای ایالتی^(۱) تصمیم به تشکیل یک نظام فدرال گرفتند تا به حیات خود در چنین چهارچوب حکومتی ادامه دهند. بدنبال چنین تصمیمی بود که استرالیا به عنوان یک نظام فدرال جدید در سال ۱۹۰۰ میلادی دارای قانون اساسی گردید. پیدایش این قانون اساسی پیرو تصویب قانونی در پارلمان بریتانیا بود که به قانون اساسی استرالیا ۱۹۰۰ میلادی^(۲) معروف است. در آن زمان تصویب چنین قانونی از سوی پارلمان بریتانیا لازم بود، زیرا که پیش از ۱۹۰۰ میلادی استرالیا به عنوان مجموعه‌ای از مستعمرات خود مختار بریتانیا به حساب می‌آمد که پارلمان بریتانیا نسبت به آنها دارای صلاحیت قانونگذاری بود. چنین قانون اساسی استرالیا در روز اول ژانویه ۱۹۰۱ میلادی به مرحله اجرائی رسید.^(۳) این قانون اساسی به عنوان "گواهی تولد یک ملت"^(۴) توصیف شده است.

۱- دولتهای ایالتی مزبور عبارت بودند از دولتهای ایالتی نیوساوت ولز (New South Wales)، ویکتوریا (Victoria)، کوئینزلند (Queensland)، تاسمانیا (Tasmania)، استرالیای غربی (Western Australia) و استرالیای جنوبی (South Australia) در حال حاضر علاوه بر این ۶ دولت ایالتی، دو دولت خود مختار سرزمینی به نام سرزمین شمالی (Northern Territory) و سرزمین مرکزی استرالیا (Australian Capital Territory) وجود دارند که همراه با دولت فدرال استرالیا در مجموع پایه‌های اساسی نظام حکومتی در استرالیا را تشکیل می‌دهند. در ضمن استرالیا سرزمین دیگری به نام The Jervis Bay Territory دارد که تحت نظارت دولت مرکزی است.

See The International Directory of Government. Australia, Publications ictions Limited, 3rd edition, London, 1999, p.35.

2-The Commonwealth of Australia Constitution Act 1900.

3- Bell, Roger and Ralph Hall, Impacts: Contemporary Issues & Global Problems, Milton, The Jacaranda Press, 1991, p. 206.

به دنبال به مرحله اجرائی رسید قانون اساسی استرالیا بود که اولین پارلمان دولت فدرال در مه ۱۹۰۱ میلادی در ملبورن افتتاح گردید. این پارلمان از سال ۱۹۲۷ میلادی به کانبرا پایتخت استرالیا منتقل گردید. (همان منبع فوق)

4- The Birth Certificate of a Nation.

این قانون اساسی یک قانون بنیادی در استرالیا است که رعایت آن از سوی همه نهادهای حکومتی این کشور ضروری بوده است و هر اقدامی که برخلاف آن صورت گیرد از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. اگرچه قانون اساسی استرالیا را یک قانون بریتانیا (قانون ۱۹۰۰ میلادی) تشکیل می‌دهد، این استدلال نیز طرح گردیده است که اعتبار آن در استرالیا به جهت تصمیم مردم استرالیا در پذیرش این قانون اساسی و نیز بر اساس اینکه بطور ارادی خود را تحت الزام چنین قانون اساسی قرار داده‌اند، می‌باشد. بویژه این استدلال از آن جهت قابل توجه است که پس از ۱۹۰۰ میلادی پارلمان بریتانیا دیگر قدرتی را بر استرالیا نداشته است.^(۱) در واقع اصل حاکمیت مردم استرالیا بر تعیین سرنوشت خود اساس چنین استدلالی را تشکیل داده است. نشانه بارزی از چنین اصلی در قسمت ۱۲۸^(۲) قانون اساسی استرالیا دیده می‌شود که تغییر چنین قانون اساسی را تابع تصویب مردم استرالیا قرار داده است. همچنین در مقدمه این قانون اساسی آمده است. این مردم استرالیا هستند که تصمیم گرفته‌اند تا در قالب یک نظام فدرالی غیر قابل انحلال با یکدیگر متحد گردند.

۲-۲- ساختار قانون اساسی استرالیا

قانون بریتانیایی ۱۹۰۰ میلادی که در بردارنده قانون اساسی استرالیا می‌باشد، در واقع از یک مقدمه و نه قید^(۳) تشکیل یافته است. قانون اساسی استرالیا در اصل قید نهم قانون مزبور را تشکیل می‌دهد. این قیود نه گانه عبارتند از: ۱- عنوان کوتاه برای قانون مزبور، ۲- تعمیم مقررات قانون فوق به جانشینان ملکه بریتانیا، ۳- اعلام وجود نظام فدرال استرالیا، ۴- زمان اجرای قانون مزبور، ۵- اجرای قوانین مصوب دولت فدرال و دولت‌های ایالتی به موجب قانون اساسی استرالیا، ۶- تعاریف اصطلاحات، ۷- لغو قانون ۱۸۸۵ میلادی شورای فدرال، ۸- به کار بردن مرزهای مستعمراتی، و ۹- قانون اساسی.

1- Australia's Constitution, Overview, Canberra, Australian Government Publishing Service, 1995, p.vi.

۲- در برخی موارد در این مقاله برای اختصار به شماره قانون قسمت اساسی استرالیا اشاره می‌شود و از تکرار غیر ضروری عبارت قانون اساسی استرالیا پس از شماره قسمت مربوطه خودداری می‌گردد.

هشت قید اول به عنوان قیود پوشاننده^(۱) نامیده می‌شوند که بطور عمده مقرارت مقدماتی و توضیحی به حساب می‌آیند. سنوالی که در این رابطه مطرح می‌باشد آنست که آیا این قیود هشت گانه قابل اصلاح توسط پارلمان استرالیا می‌باشند. از آنجائی که که پیرو قانون پارلمان بریتانیا موسوم به "قانون ۱۹۶۸ استرالیا"^(۲) این پارلمان به عدم صلاحیت خود در وضع قانون برای استرالیا اشاره نموده، ممکن است استدلال گردد که پارلمان استرالیا دارای صلاحیت برای اصلاح قیود هشت گانه می‌باشد. در این رابطه قسمت (۳۸) ۵۱ قانون اساسی استرالیا (که اشاره به اختیار بریتانیا در وضع قوانین در زمان تصویب قانون اساسی استرالیا در این کشور می‌نماید) می‌تواند برای رد صلاحیت فوق مورد استناد قرار گیرد.

قانون اساسی استرالیا دارای ۸ فصل می‌باشد که فصل اول آن دارای ۵ بخش است. بطور کلی هر جزئی از قانون اساسی استرالیا دارای عنوان و شماره می‌باشد که به آن "قسمت" گفته می‌شود.^(۳) قانون اساسی استرالیا دارای ۱۲۸ قسمت می‌باشد.^(۴) فصول هشت گانه قانون اساسی استرالیا به مسائل ذیل می‌پردازند: ۱- مجالس قانونگذاری (فدرال)^(۵)، ۲- دولت اجرائی (فدرال)، ۳- قوه قضائیه (فدرال)، ۴- امور مالی و تجاری، ۵- دولتهای ایالتی، ۶- دولتهای ایالتی جدید، ۷- مسائل متفرقه، و ۸- تغییر در قانون اساسی.

لازم به ذکر است که قانون اساسی استرالیا همچون قوانین اساسی دیگر کشورها براحتی قابل اصلاح و تغییر نیست. بهر حال این قانون اساسی انعطاف لازم را داشته و راه را برای تغییرات ضروری باز گذاشته است، البته اگر که شرایط لازم برای چنین تغییراتی تحقق یابد. روشی را که قانون اساسی استرالیا برای ایجاد اصلاحات و تغییرات در این قانون در نظر گرفته، "همه پرسى" می‌باشد. قسمت ۱۲۸ قانون اساسی استرالیا به موضوع

1-"Covering Clauses".

2-" The Australia Act 1986".

۳- تقسیمات قانون اساسی استرالیا بدین صورت است: فصل (Chapter)، بخش (Part)، و قسمت (Section)، که برخی از قسمتها نیز دارای زیر قسمتهائی می‌باشند.

۴- قسمت ۱۲۷ (Section 127) قانون اساسی استرالیا به دنبال اصلاحیه ۱۹۶۷ میلادی حذف شد.

۵- فصل اول از بخش‌های ذیل تشکیل گردیده است: ۱- مقررات کلی، ۲- مجلس سنا، ۳- مجلس نمایندگان،

۴- مجالس سنا و نمایندگان، مقررات مشترک، و ۵- اختیارات مجالس قانونگذاری.

تغییر در قانون اساسی می‌پردازد و تصویب مردم استرالیا را پیش از ایجاد هر گونه تغییری در آن الزامی می‌داند. بر طبق این قسمت، برای پذیرش هر تغییر یا اصلاحی در قانون اساسی علاوه بر آنکه رأی اکثریت مردم استرالیا بایستی کسب شود، همچنین معیار دیگری باید تحقق یابد و آن وجود اکثریت آراء در اکثریت دولتهای ایالتی است. این بدان معنا می‌باشد که از ۶ ایالت موجود در استرالیا، ۴ ایالت باید دارای حداکثر آراء در پذیرش تغییر یا اصلاح مطرح برای قانون اساسی باشد. فقدان هر یک از این دو معیار به مفهوم رد اصلاحیه پیشنهادی است. روشن است که نتیجه در هر دو مورد در یک همه پرسی همزمان مشخص می‌گردد. در ضمن در مورد اصلاحیه‌ای که تأثیر مستقیم بر یک دولت ایالتی دارد (مثلاً تغییر محدوده‌های سرزمینی آن) باید اکثریت آراء را نیز در آن ایالت بدست آورد.

در عمل اصلاحات پیشنهادی به کمیسیون قانون اساسی^(۱) استرالیا ارسال می‌شوند تا ابتدا به بررسی اصلاحیه‌ها پرداخته شود و از ایجاد تغییرات غیر ضروری در قانون اساسی جلوگیری گردد. بطور معمول قبل از آنکه اصلاحیه‌ای به همه پرسی گذاشته شود، پارلمان دولت فدرال بایستی قانون مربوط به اصلاحیه پیشنهادی برای قانون اساسی را از تصویب بگذراند. از زمان تصویب قانون اساسی استرالیا تاکنون ۳۶ پیشنهاد برای اصلاح این قانون اساسی به همه پرسی گذاشته شده که در این میان فقط هشت مورد پذیرفته شده است، این هشت تغییر در قانون اساسی در ارتباط با موارد ذیل می‌باشند:

- ۱- انتخابات مجلس سنا (در سال ۱۹۲۸ میلادی - قسمت ۱۳ قانون اساسی را اصلاح نمود).
- ۲- قروض دولتهای ایالتی (در سال ۱۹۰۹ میلادی - قسمت ۱۰۵ قانون اساسی را اصلاح نمود).
- ۳- قروض دولتهای ایالتی (در سال ۱۹۲۸ میلادی - قسمت (الف) ۱۰۵ به قانون اساسی اضافه گردید).
- ۴- خدمات اجتماعی (در سال ۱۹۴۶ میلادی - قسمت ۵۱ قانون اساسی اصلاح شد).
- ۵- بومیان استرالیا (در سال ۱۹۶۷ میلادی - قسمت ۱۲۷ قانون اساسی حذف

شد.)

۶- کرسی‌های خالی موقت در مجلس سنا (در سال ۱۹۷۷ میلادی - جزئی از قسمت ۱۵ قانون اساسی حذف و متن جدید جایگزین آن گردید.)
 ۷- سن بازنشستگی قضات (در سال ۱۹۷۷ میلادی - قسمت ۷۲ قانون اساسی اصلاح شد.)

۸- همه پرسی‌ها (در سال ۱۹۷۷ میلادی - قسمت ۱۲۸ اصلاح شد.)
 در حال حاضر در استرالیا بحث بر روی تغییر نظام حکومتی استرالیا به جمهوری (فدرال) می‌باشد و در این راستا فعالیت‌هایی برای اصلاح قانون اساسی استرالیا در حال اجراء است تا در نهایت این موضوع بار دیگر به همه پرسی گذاشته شود. اگرچه موارد اصلاحی دیگری نظیر "برسمیت شناخته شدن دولتهای محلی از سوی قانون اساسی" در حال بررسی است، اصلاحیه فوق به دلیل ارتباط آن با نظام حکومتی در استرالیا از اهمیت بیشتری برخوردار است. بهر حال همه پرسی ۶ نوامبر ۱۹۹۹ میلادی برای تغییر نظام حکومتی استرالیا به جمهوری به نتیجه نرسید و امکان چنین تغییری را به آینده نزدیک موکول نمود. در این همه پرسی مردم استرالیا بایستی به دو سؤال پاسخ مثبت و یا منفی می‌دادند. سؤال اول آن بود که آیا آنها مایلند تا استرالیا از نظام فدرالی وابسته به بریتانیا به نظام جمهوری فدرال مستقل از بریتانیا تبدیل شود؟ از آنجائی که فقط ۴۶٪ از رأی دهندگان با این تغییر موافق بودند اکثریت لازم برای پذیرش بدست نیامد. سؤال دوم در زمینه اضافه کردن یک مقدمه به قانون اساسی استرالیا بود چرا که این قانون اساسی دارای مقدمه نمی‌باشد. سؤال دوم آن بود که آیا مردم استرالیا با محتوای مقدمه تهیه شده (که اساس وحدت ملی را تعریف و تعیین می‌نمود) موافق بودند؟ در این رابطه نیز اکثریت لازم برای پذیرش آن بدست نیامد و فقط ۳۹/۸٪ از رأی دهندگان بدان پاسخ مثبت دادند که این میزان رأی مثبت از رأی مثبت داده شده به سؤال اول نیز کمتر بود.

۲-۳- اثرات قانون اساسی استرالیا

پس از آشنائی کلی با قانون اساسی استرالیا، مفید خواهد بود که به اثرات این قانون اساسی پرداخته شود تا روشن گردد که قانون اساسی استرالیا چه پدیده‌های نوئی را با خود به همراه داشته است و چه مفاهیم از قبل موجودی را برسمیت شناخته است. قانون اساسی استرالیا بطور عمده اثرات ذیل را در برداشته است:
 ابتدا آنکه قانون اساسی استرالیا ادامه حیات ۶ مستعمره بریتانیائی موجود در

استرالیا را در چهارچوب ۶ دولت ایالتی برسمیت می‌شناسد. در این راستا است که تداوم قوانین اساسی دولتهای ایالتی، روش اداره حکومت آنها و نیز مجموعه قوانین آنها (به جزء در مواردی که بر اساس قانون اساسی تغییر داده شده است) مورد پذیرش قرار می‌گیرد.^(۱) بدین ترتیب بقاء و استمرار این دولتهای ایالتی و قوانین اساسی شان توسط قانون اساسی استرالیا تضمین می‌شود. قوانین اساسی دولتهای ایالتی اساس قوای مقننه و مجریه را در ایالتها تشکیل داده و در برخی موارد اختیارات قضائی دولتهای ایالتی را تعیین و تنظیم می‌نمایند. در هر صورت قوانین اساسی ایالتها بایستی در ارتباط با قانون اساسی استرالیا مورد مطالعه و تفسیر قرار گیرند، و نبایستی بر خلاف قانون اساسی استرالیا باشند.^(۲) در ضمن دولتهای ایالتی نیز ملزم به رعایت این قانون اساسی هستند.

دوم آنکه، قانون اساسی استرالیا مجموعه‌ای از نهادهای حکومتی مرکزی را بوجود می‌آورد که به عنوان دولت فدرال خوانده می‌شود. این قانون اساسی به شرح وظایف و قدرتهای دولت مرکزی می‌پردازد. (جنبه‌های گوناگون این دولت فدرال در جای خود در این مقاله بررسی می‌شوند).

سوم آنکه، قانون اساسی استرالیا روابط میان دولتهای ایالتی و دولت فدرال را تنظیم می‌نماید. چنین تصریحی در قانون اساسی برای رفع تعارض میان این سطوح مختلف دولتی لازم بوده است، اگرچه در برخی موارد به دلیل عدم صراحت قانون اساسی (برای مثال در زمینه حمایت از محیط زیست) تعارض منافعی میان آنها بوجود آمده و تفاسیر گوناگونی از قانون اساسی در این موارد صورت می‌گیرد.^(۳)

چهارم آنکه، قانون اساسی استرالیا یک نظام بازار مشترک را در استرالیا^(۴) مستقر می‌سازد. فصل (۴) قانون اساسی استرالیا (امور مالی و تجاری - قسمتهای ۸۱ تا الف) (۱۰۵) از جمله به تنظیم تجارت و بازرگانی در استرالیا می‌پردازد. بطور کلی استقرار یک بازار مشترک در ایجاد یک نظام تعرفه گمرکی یکسان و نیز آزادی تجارت میان دولتهای

۲- قسمت ۱۰۷ قانون اساسی استرالیا.

۱- قسمت ۱۰۶ قانون اساسی استرالیا.

۳- برای بررسی چگونگی حمایت از محیط زیست در نظام حکومتی فدرال استرالیا بنگرید به: طلایی، فرهاد، "چالش‌های زیست محیطی در نظام حکومتی استرالیا"، مجلس و پژوهش، شماره ۲۰، سال چهارم، خرداد و تیر

ایالتی متبلور می‌گردد. در راستای این هدف است که قسمت ۸۸ قانون اساسی استرالیا پارلمان دولت فدرال را ملزم به وضع عوارض گمرکی یکنواخت می‌نماید و قسمت ۹۰ این قانون اساسی پارلمانهای دولتهای ایالتی را از وضع عوارض گمرکی منع می‌نماید. در ضمن قسمت ۹۲ قانون اساسی استرالیا بازرگانی و تجارت را میان دولتهای ایالتی "بطور مطلق" آزاد اعلام می‌نماید و دولت فدرال یا هر دولت ایالتی را ملزم می‌دارد تا از هر گونه تبعیضی در روابط بازرگانی و تجارتنی میان دولتهای ایالتی اجتناب ورزند.

پنجم آنکه، قانون اساسی استرالیا در برخی از قسمتهایش به تصریح حقوق مدنی افراد می‌پردازد. اگرچه در این قانون اساسی مجموعه‌ای مستقل به عنوان مجموعه حقوق و آزادیهای افراد (مانند آنچه در قانون اساسی ایالات متحده آمریکا وجود دارد) دیده نمی‌شود، اشاره به حقوق افراد در قسمتهای گوناگون آن مشاهده می‌گردد که در ذیل به درج نمونه هائی از آنها پرداخته می‌شود. قسمت (۳۱) ۵۱ قانون اساسی استرالیا اشاره می‌نماید که کسب و تملک اموال اشخاص (یا دولتهای ایالتی) از سوی دولت فدرال بایستی بر اساس "شرایط عادلانه" باشد. قسمت ۸۰ این قانون اساسی تصریح می‌دارد که در زمینه جرائم ارتکاب گرفته در نقض قوانین دولت فدرال، محاکمه بایستی با حضور هیئت منصفه صورت پذیرد. قسمت ۱۱۶ قانون اساسی استرالیا به آزادی مذهب اشاره دارد و از جمله دولت فدرال را از وضع هر قانونی که از اجرای آزاد هر مذهبی جلوگیری کند و یا موجب تحمیل رعایت اصول مذهبی گردد منع می‌نماید. قسمت ۱۱۷ این قانون اساسی نیز پارلمان دولتهای ایالتی را از تبعیض قائل گردیدن بر ضد افراد غیر مقیم در آن ایالتها منع می‌دارد. بنابراین بایستی قوانین دولتهای ایالتی بطور یکسان نسبت به افراد مقیم و غیر مقیم در آن ایالتها اجراء گردند.

۳- ریشه‌های نظامی حکومتی در استرالیا

قانون اساسی استرالیا نظام حکومتی این کشور را بر اساس نظام بریتانیائی معروف به "وست مینستر"^(۱) تنظیم نموده است. این بدان دلیل می‌باشد استرالیا که مستعمره‌ای از بریتانیا بوده و در زمان تدوین قانون اساسی استرالیا نظام حکومتی "وست مینستر" به عنوان الگو مورد استفاده قرار گرفته است. استرالیا از فدراسیون دولتهای

۱- The Westminster System. وست مینستر نام محلی در لندن است که مجالس قانونگذاری بریتانیا در آنجا واقع

ایالتی تشکیل یافته است. با این وجود بر اساس قانون اساسی استرالیا نظام حکومتی فدرال این کشور (همانند نظام حکومتی بریتانیا) مبتنی بر نظام سلطنتی است.^(۱) در چنین نظام سلطنتی که مبتنی بر قدرتهای تعیین شده در قانون اساسی است، حاکم سلطنتی (شاه یا ملکه) اختیارات خود را در چهارچوب قانون اساسی اجراء می نماید و بطور معمول یک نقش تشریفاتی را بر عهده داشته است. با این وجود نظام فدرال استرالیا دارای تشابه کامل با نظام حکومتی بریتانیا نمی باشد و تفاوتهایی میان آنها وجود دارد که در ادامه مورد اشاره قرار می گیرند. ابتدا لازم است که مفهوم نظام حکومتی شناخته شده به نام "وست مینستر" روشن گردد. اساس این نظام به قرون گذشته به ویژه قرن هفدهم میلادی در بریتانیا باز می گردد که جنبش هائی در مخالفت با قدرت مطلق حاکم سلطنتی بریتانیا بوجود آمد. چنین حرکتی در قرون بعد گسترش یافت و در قرون هجدهم و نوزدهم میلادی زمینه های پیدایش انقلاب صنعتی را بوجود آورد.^(۲) بدنبال گسترش حرکتیهای صورت گرفته بتدریج قدرتهای حاکم سلطنتی در بریتانیا به پارلمان منتقل گشت. بهر حال این انتقال قدرت همواره براحتی صورت نمی گرفت و گاه تعارضهایی میان حاکم سلطنتی (که مایل به از دست دادن اختیاراتش نبود) و پارلمان بریتانیا حاصل می گردید. با این وجود انتقال قدرت بطور اساسی انجام گرفت. اگرچه امروزه هنوز بریتانیا دارای حکومت سلطنتی است، حاکم سلطنتی (در حال حاضر ملکه الیزابت دوم) بیشتر یک نقش تشریفاتی را دارد و نقش فعالی را در حکومت بریتانیا ایفاء نمی نماید. در مقابل پارلمان بریتانیا از اختیارات قابل توجهی برخوردار است.^(۳) این پارلمان از دو مجلس قانونگذاری تشکیل یافته است که مجلس عوام^(۴) و مجلس اشراف^(۵) خوانده می شوند. در حالی که نمایندگان مجلس عوام از سوی مردم بریتانیا انتخاب می شوند، نمایندگان مجلس اشراف از سوی حاکم سلطنتی و به جهت القابشان به عنوان اعضای

۱- این همان مفهوم Constitutional Monarchy است.

۲- در همین راستا بود که انقلاب فرانسه نیز در سال ۱۷۸۹ میلادی رخ داد.

۳- برای آگاهی بیشتر در زمینه نظام حکومتی بریتانیا، برای نمونه، بنگرید به:

Yardley, D.C.M., Introduction to British Constitutional Law, 6th edition, Butterworths, 1984.

۴- The House of Commons. مجلس عوام به The Lower House نیز معروف است.

۵- The House of Lords. مجلس اشراف به The Upper House نیز مشهور می باشد.

این مجلس منصوب می‌شوند. ریشه مجلس اشراف به تاریخ گذشته بریتانیا بر می‌گردد، زمانی که فقط صاحبان ثروت و مقام حق شرکت در نظام حکومتی را داشتند و این مجلس بقایائی از آن دوران است.

بهر حال قدرت مجلس اشراف در طول زمان کاسته گردید. در حال حاضر نقش اصلی در حکومت بریتانیا بر عهده مجلس عوام است. هر دو مجلس لوایحی را که از سوی قوه مجریه این کشور به آنها تقدیم می‌شوند مورد بررسی قرار می‌دهند. ابتدا لوایح در مجلس عوام مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. در صورت پذیرش لایحه‌ای از سوی مجلس عوام، آن لایحه برای کسب نظر مجلس اشراف به این مجلس ارسال می‌شود. در صورت پذیرش مجلس اشراف لایحه^(۱) به یک قانون پارلمان^(۲) تبدیل می‌شود و برای امضای ملکه بریتانیا به این مقام ارسال می‌شود تا پس از چنین تأییدی به مرحله اجرائی در آید. اگر مجلس اشراف متن پیشنهادی مجلس عوام را نپذیرد آنرا به این مجلس بر می‌گرداند تا مورد بحث بیشتر قرار گیرد و اصلاحات درخواست شده در نظر گرفته شوند. بدین صورت مجلس اشراف بنوعی دارای یک اختیار و توی تصمیمات مجلس عوام است. البته اگرچه مجلس اشراف می‌تواند از تصویب لایحه‌ای ممانعت بعمل آورد، بهر حال اختیاری را در تغییر مفاد لایحه بدون موافقت مجلس عوام ندارد. مجلس عوام نه تنها در فرآیند قانونگذاری دارای اهمیت است، بلکه منشأ دولت (قوه مجریه) بریتانیا نیز می‌باشد. مجلس عوام بریتانیا بطور عمده تشکیل یافته از نمایندگان احزاب سیاسی گوناگون است. در این میان دو حزب عمده از اکثریت قابل توجهی برخوردارند که عبارت از حزب کارگر و حزب محافظه کار می‌باشند. آن حزبی که دارای اکثریت اعضا در مجلس عوام است، دولت را تشکیل می‌دهد و رهبر حزب مزبور به عنوان نخست وزیر بریتانیا عمل می‌نماید. وزرای هیئت دولت نیز از اعضای رده بالای حزب با اکثریت اعضا انتخاب می‌شوند. در مقابل نیز حزب دارای اکثریت پس از حزب مزبور، نقش گروه مخالف^(۳) را ایفاء نموده و عملکرد دولت حاکم را مورد نظارت و بررسی قرار می‌دهد (همانگونه که در استرالیا نیز چنین است). چنین مجموعه‌ای در کل به عنوان نظام وست مینستر شناخته شده است.

1- Bill.

2- An Act of the Parliament.

3- The Opposition.

همانگونه که اشاره شد، با وجود مبتنی بودن نظام حکومتی استرالیا بر پایه نظام بریتانیایی وست مینستر تفاوت‌هایی میان نظام فدرال استرالیا و نظام حکومتی بریتانیا وجود دارد. ابتدا آنکه استرالیا دارای یک نظام حکومتی تشکیل یافته از فدراسیون دولتهای ایالتی است، در حالی که بریتانیا دارای نظام فدرالی نیست و در چهارچوب نظام وست مینستر عمل می‌نماید. دوم آنکه، در استرالیا هر دو مجلس قانونگذاری توسط مردم انتخاب می‌شوند^(۱) و مجلس اشراف نظیر آنچه در بریتانیا وجود دارد در استرالیا موجود نیست. همانگونه که در فوق ذکر شد، در بریتانیا تنها اعضای مجلس عوام از سوی مردم انتخاب می‌شوند و اعضای مجلس اشراف انتصابی هستند. در هر حال در استرالیا هنوز ملکه بریتانیا نقش خود را به عنوان بالاترین مقام حفظ نموده است و اختیارات خود را از طریق فرمانداری کل^(۲) انتصابی برای استرالیا و نیز فرمانداران^(۳) ایالتها ایفاء می‌نماید.^(۴) چنین اختیاراتی در عمل بر اساس توصیه‌های نخست وزیر و وزراء (هیئت دولت استرالیا) به اجراء در می‌آیند و به جزء در مواردی خاص نمایندگان ملکه بریتانیا به امور تشریفاتی در استرالیا می‌پردازند و اداره حکومت را به دولتهای فدرال و ایالتی واگذار می‌نمایند.

۴- نهادهای حکومتی در استرالیا

در استرالیا بر طبق قانون اساسی و رویه استقرار یافته در این کشور، بطور عمده سه سطح دولتی مختلف وجود دارند که در حوزه صلاحیت‌های خود به اجرای وظایف و مسئولیت‌ها می‌پردازند. این سه سطح دولتی عبارتند از:

دولت فدرال، ۶ دولت ایالتی (همراه با دو دولت سرزمینی خود مختار و تحت نظارت دولت فدرال)، و دولتهای محلی. در کنار این دولتها ملکه بریتانیا حضور خود را با انتصاب فرماندار کل و فرمانداران ایالتی حفظ نموده است. نموداری از ارتباط میان این نهادهای حکومتی با یکدیگر و نیز ارتباط آنها با مردم (در ذیل) ارائه گردیده است.

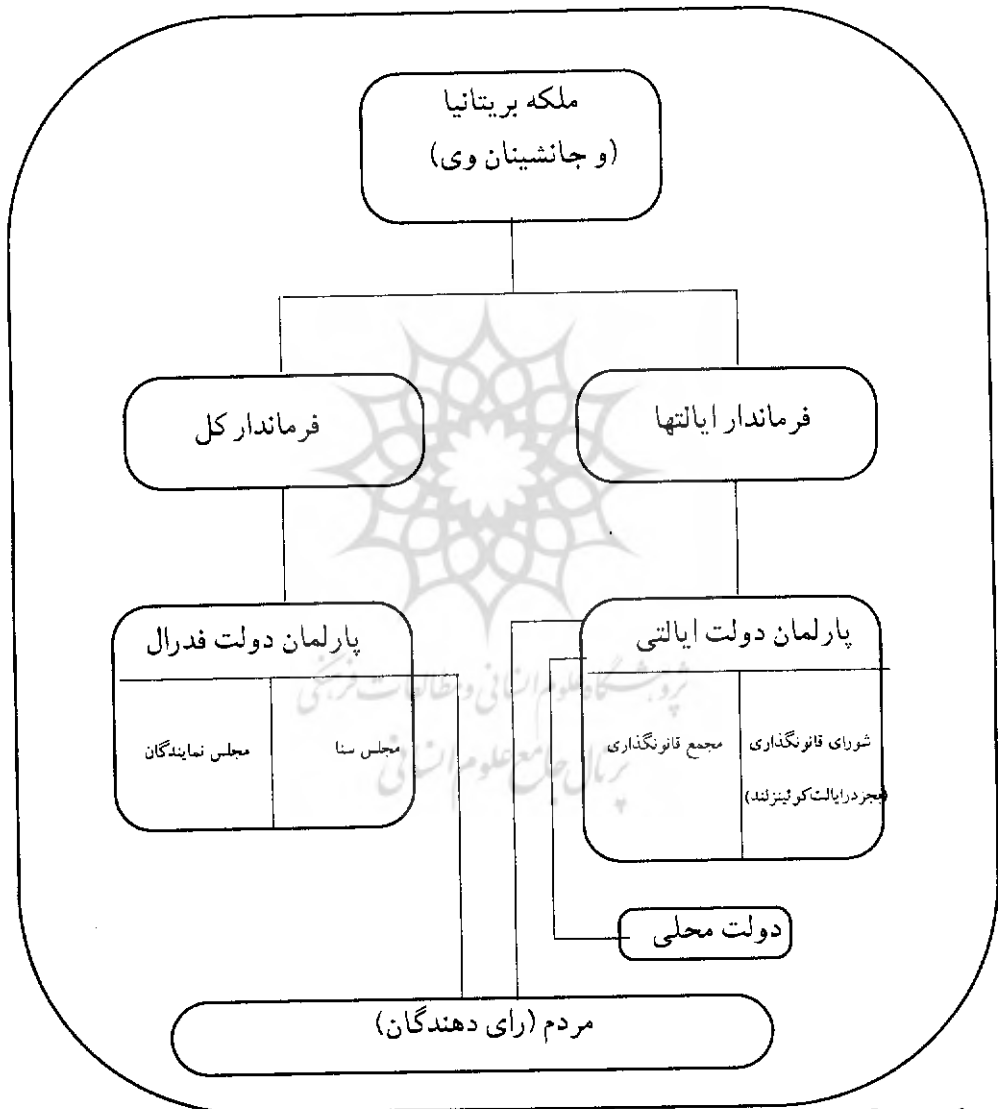
۱- قسمتهای ۷ و ۲۴ قانون اساسی استرالیا.

2-The Governor - General.

3- Governors.

۴- قسمت ۶۱ قانون اساسی استرالیا - برای مثال بر اساس قسمت یک، ملکه بریتانیا جزئی از پارلمان کشور استرالیا است. این قسمت بیان می‌دارد که قدرت قانونگذاری دولت فدرال بر عهده پارلمان فدرال است که از "ملکه بریتانیا، یک مجلس سنا و یک مجلس نمایندگان تشکیل می‌شود...

ساختار نهادهای حکومتی در نظام فدرال استرالیا (دولت پارلمانی)



Source: Bell, Roger and Relph Hall, Impacts: Contemporary Issue & Global Problems, The Jacaranda Press, Milton, 1991, p.207

* در صورت موفقیت همه پرسى ۶ نوامبر ۱۹۹۹ میلادی در استرالیا برای تغییر نظام حکومتی آن به "جمهوری" رئیس جمهور استرالیا جایگزین ملکه بریتانیا و فرمانداران منصوب وی می‌گردید.

۵- دولت فدرال

دولت فدرال استرالیا بطور اساسی از سه جزء تشکیل یافته است: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه.

۱-۵- قوه مقننه

فصل اول قانون اساسی استرالیا (قسمتهای ۱ تا ۶۰) به موضوع پارلمان استرالیا (و در واقع قوه مقننه این کشور) اختصاص دارد.^(۱) پارلمان استرالیا تنها مرجع صلاحیتدار در وضع قوانین مقرر شده در چهارچوب قانون اساسی این کشور در سطح نظام فدرال می باشد. این پارلمان از دو مجلس قانونگذاری تشکیل شده است: مجلس سنا^(۲) و مجلس نمایندگان^(۳).

اعضای هر دو مجلس منتخب مردم می باشند. دوره نمایندگی در مجلس سنا برای ۶ سال می باشد (با تغییر نیمی از کرسی ها پس از دوره ۳ ساله)^(۴) و دوره نمایندگی در مجلس نمایندگان برای مدت ۳ سال است.^(۵) در حال حاضر تلاش هائی صورت گرفته است تا با پیشنهاد اصلاحیه ای به قانون اساسی، دوره نمایندگی هر دو مجلس به ۴ سال تبدیل گردد. تعداد اعضای نمایندگان دولتهای ایالتی در مجلس سنا یکسان بوده و هر ایالت دارای تعداد مساوی نماینده در این مجلس می باشد. در حال حاضر از هر ایالت ۱۲ سناتور در مجلس سنا حاضر هستند.^(۶) با در نظر گرفتن ۶ ایالت موجود و نیز وجود ۲ سناتور از سرزمین شمالی استرالیا و ۲ سناتور از سرزمین مرکزی استرالیا، تعداد کل نمایندگان مجلس سنا در استرالیا ۷۶ سناتور می باشد.

در مجلس نمایندگان تعداد نمایندگان هر ایالت بر اساس میزان جمعیت مشخص

۱- پیش از تصویب قانون اساسی استرالیا شورای فدرال این کشور به وضع قوانین می پرداخت و در زمان تدوین قانون اساسی به اعتبار این قوانین اشاره شده است (قسمت ۷)، مگر آنکه پارلمان استرالیا این قوانینی را تغییر دهد.

۲- The Senate. مجلس سنا به "The Upper House" نیز شناخته شده است.

۳- The House of Representatives. مجلس نمایندگان به "The Lower House" نیز شناخته شده است.

۴- قسمت ۱۳ قانون اساسی استرالیا. ۵- قسمت ۲۸ قانون اساسی استرالیا.

۶- در ابتدا تعداد نمایندگان هر ایالت در مجلس سنا بر اساس ۷ قسمت قانون اساسی ۶ سناتور بود. این قسمت اجازه تغییر این تعداد را به پارلمان دولت فدرال داده است. بدین لحاظ بر طبق قسمت ۳ قانون نمایندگی ۱۹۸۳ پارلمان فدرال

(The Representation Act 1983) تعداد مزبور به ۱۲ سناتور تغییر داده شد.

می‌گردد.^(۱) به عبارت دیگر تعداد نمایندگان ایالت‌های پر جمعیتی چون ایالت نیوساوت ولز از تعداد نمایندگان ایالت‌های کم جمعیت مانند ایالت تاسمانیا بیشتر است. در زمان حاضر برای هر ۷۰۰۰۰ نفر یک نماینده برای مجلس نمایندگان در نظر گرفته شده است و هر منطقه با تراکم جمعیت مزبور یک حوزه انتخابیه^(۲) نامیده می‌شود. بهر صورت برای هر ایالت داشتن حداقل ۵ نماینده تضمین شده است، حتی اگر جمعیت آن در حد مقرر نباشد.^(۳) در وضع حاضر ایالت تاسمانیا تنها ایالتی است که دارای ۵ نماینده در مجلس نمایندگان می‌باشد که از تضمین فوق برخوردار گردیده است. مردم سرزمین شمالی استرالیا نیز دارای دو سناتور در مجلس سنا و یک نماینده در مجلس نمایندگان می‌باشند. همچنین مردم سرزمین مرکزی استرالیا نیز دارای دو سناتور در مجلس سنا و همینطور دو نماینده در مجلس نمایندگان می‌باشند.

فرآیند قانونگذاری در استرالیا بدین صورت است که بطور معمول ابتدا توسط وزیر مربوطه لایحه مقتضی به مجلس نمایندگان ارائه می‌شود. لایحه مزبور از سوی اعضای مجلس نمایندگان مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد و در صورت لزوم به تغییرات، این تغییرات در لایحه صورت گرفته و در نهایت به عنوان متن پیشنهادی مجلس نمایندگان به مجلس سنا فرستاده می‌شود. در مجلس سنا نیز متن مزبور تحت رسیدگی دوباره قرار گرفته و در صورتی که مجلس سنا با متن ارسالی از سوی مجلس نمایندگان موافقت داشته باشد، لایحه پیشنهادی به عنوان قانون پیشنهادی پارلمان محسوب می‌گردد. بهر حال برای آنکه چنین مصوبه‌ای دارای قدرت اجرایی باشد، باید از سوی فرماندار کل استرالیا به نیابت از سوی ملکه بریتانیا امضاء گردد که نشانه‌ای از اظهار رضایت چنین مقامی می‌باشد.^(۴) بطور معمول مصوبات پارلمان از سوی فرماندار کل امضاء می‌شود. بهر حال بدون امضای فرماندار کل و انتشار قانون پارلمان، این قانون در عمل قدرت اجرایی نخواهد داشت.

۱ - قسمت ۲۴ قانون اساسی استرالیا.

2- Electorate.

۳ - قسمت ۲۴ قانون اساسی استرالیا.

۴ - قسمت ۵۸ قانون اساسی استرالیا. بر اساس قسمت ۵۹ قانون اساسی استرالیا ملکه بریتانیا (با جانشین وی) می‌تواند در فاصله ۱۲ ماه رضایت فرماندار کل را پس بگیرد.

به جز در چند مورد خاص (برای نمونه در مورد مالیاتهای الزامی) مجلس سنا دارای قدرت یکسان با مجلس نمایندگان است. بنابراین مشکل زمانی رخ می‌دهد که این دو مجلس راجع به متنی خاص دارای توافق نباشند. قانون اساسی استرالیا برای رهایی از این وضعیت راه انحلال هر دو مجلس از سوی فرماندار کل و دعوت به انتخابات جدید را در نظر گرفته است. فرماندار کل استرالیا تاکنون فقط یک بار از این اختیار استفاده نموده و آنهم در سال ۱۹۷۵ میلادی بود که فرماندار کل وقت^(۱) دولت کارگری را با انحلال هر دو مجلس از ادامه کار منع نمود. مشکل بر سر یک لایحه تخصیص بودجه بود که میان مجالس سنا و نمایندگان اختلاف نظر موجود بود. نخست وزیر وقت^(۲) از اکثریت آراء در مجلس سنا برخوردار نبود و بنابراین این مجالس قانونگذاری به وحدت نظر نرسیدند. در نتیجه فرماندار کل وقت انحلال هر دو مجلس^(۳) را اعلام نمود. وجود چنین اختیاری برای فرماندار کل این انتقاد را به دنبال داشته است که نخست وزیر دارای اعتماد مجلس نمایندگان (که اعضای آن به وسیله مردم انتخاب می‌شوند) نباید با اختیار فرماندار کل منفصل گردد، زیرا که چنین اختیاری مطابق با اصول دموکراتیک نمی‌باشد.^(۴) بر طبق قسمتهای ۵ و ۲۸ قانون اساسی همچنین اختیار انحلال مجلس نمایندگان به فرماندار کل در هر زمانی که لازم بداند، داده شده است. چنین اختیاری (به جزء در سال ۱۹۷۵ میلادی که شامل انحلال هر دو مجلس گردید) در عمل تاکنون به اجراء گذشته نشده است. یکی از دلایل اجتناب از چنین اقدامی تعارض آن با اصل انتخاب مجلس نمایندگان از سوی مردم می‌باشد. پارلمان دولت فدرال قدرتهای قانونگذاری ویژه‌ای را دارد. این صلاحیت‌های قانونی به ویژه در قسمت ۵۱ قانون اساسی استرالیا بر شمرده می‌شوند که در حدود ۴۰ زمینه گوناگون را در بر می‌گیرند. بهر حال با اهمیت‌ترین این صلاحیت‌ها را می‌توان به امور ذیل خلاصه نمود:

الف - امور دفاعی و خارجی، ب - قدرتهای مالی و تجاری، ج - سیاستگذاری جمعیتی، د - ارائه خدمات اجتماعی و تسهیلات عمومی، ه - امور مربوطه به حقوق

1- Sir John Kerr.

2-Gough Whitlam.

۳- این نوع انحلال هر دو مجلس قانونگذاری به "انحلال دوگانه" (Double Dissolution) موسوم است.

4- Gooray Mark, "The Crown, Parliament and Constitutional Reform", A Seminar on "Change the Constitution?," University of Sycdney, 9 July 1988. Page 7 of the Proceedings.

خانواده، و - تنظیم امور صنعتی و بازرگانی، ز- در زمینه روابط با دولتهای ایالتی. قسمت ۵۲ قانون اساسی نیز به اختیارات انحصاری پارلمان دولت فدرال اشاره می‌نماید که از جمله آنها قانونگذاری در زمینه موضوعاتی است که به موجب قانون اساسی تنها پارلمان مزبور چنین اختیاری را دارد. نمونه‌ای از آن نیز همان موارد چهل گانه درج شده در قسمت ۵۱ است. همچنین بر اساس قسمت ۹۰ قانون اساسی، قانونگذاری در زمینه برقراری مالیاتها یا عوارض بر کالاها از اختیارات پارلمان دولت فدرال می‌باشد. قسمتهای ۸۱، ۸۲ و ۸۳ قانون اساسی نیز که در ارتباط با امور تجاری و مالی (هزینه‌های مصرفی دولت فدرال) می‌باشند نیز در چهارچوب صلاحیت‌های پارلمان قابل استدلال است. بویژه قسمت ۸۳ مقرر می‌دارد که دولت اجرائی فدرال نمی‌تواند بدون موافقت پارلمان پولی را خرج نماید.

بر اساس قسمت ۱۲۲ قانون اساسی، دولت فدرال از اختیار قانونگذاری وسیعی در مورد سرزمین‌های دولت فدرال (خارج از قلمرو ایالتها) برخوردار است. همچنین با توجه به آنکه قسمت ۱۱۵ قانون اساسی دولتهای ایالتی را از چاپ اسناد پولی منع می‌سازد، می‌توان نتیجه گرفت که پارلمان دولت فدرال صلاحیت تنظیم امور پولی را دارد. بهر حال تصریح قانون اساسی استرالیا به موارد خاص صلاحیت‌های قانونگذاری پارلمان دولت فدرال به مفهوم عدم صلاحیت یا عدم تاثیر این پارلمان در زمینه‌های دیگر نمی‌باشد. برای مثال اگرچه پارلمان فدرال اختیار قانونگذاری در امور آموزشی و محیط زیست را ندارد، این پارلمان قوانینی را می‌تواند تصویب نماید که بر این موضوعات تاثیر گذار باشد. به عنوان نمونه بر اساس قسمت ۹۶ قانون اساسی پارلمان فدرال می‌تواند با تصویب کمک‌های مالی به دولتهای ایالتی زمینه‌هایی چون اداره امور دانشگاهها یا حمایت از محیط زیست بر اساس سیاستها و برنامه‌های دولت فدرال را به عنوان پیش شرط قرار دهد. همچنین در زمینه محیط زیست پارلمان دولت فدرال می‌تواند با درج مقررات معاهدات بین‌المللی راجع به محیط زیست به عنوان قوانین پارلمان فدرال به دولت اجرائی فدرال اختیار دخالت در امور زیست محیطی را در چهارچوب رسیدگی به امور خارجی بدهد.

اگرچه هر دو مجلس سنا و نمایندگان از سوی مردم انتخاب می‌شوند، هدف اصلی از تشکیل مجلس سنا تضمین و تأمین منافع دولتهای ایالتی (به ویژه دولتهای ایالتی کوچکتر) بوده است. در همین راستا بود که تعداد یکسانی سناتور نیز برای ایالتها

در نظر گرفته شد. در حال حاضر این اعتقاد وجود دارد که برخلاف هدف طراحان قانون اساسی استرالیا در زمینه تشکیل مجلس سنا به عنوان ضامن منافع دولتهای ایالتی، مجلس سنا دیگر به عنوان یک نهاد مدافع منافع دولتهای ایالتی عمل نمی‌نماید، بلکه وجود احزاب سیاسی برای سناتورها بیشتر از منافع دولتهای ایالتی اهمیت پیدا نموده است.^(۱) از طرف دیگر این اعتقاد وجود دارد که مجلس سنا نظرات سیاسی دولتهای ایالتی را منعکس می‌سازد و اینکه سناتورهای دولتهای ایالتی کوچکتر هنوز نقش خود را به عنوان تامین کننده منافع دولتهای ایالتی شان اجراء می‌کنند و در نهایت آنکه مجلس سنا صرفاً نهادی در برگیرنده سناتورهای دولتهای ایالتی نیست، بلکه نهاد بررسی کننده متن‌های پیشنهادی مجلس نمایندگان برای تبدیل آنها به قوانین پارلمان فدرال نیز می‌باشد.^(۲)

۲-۵- قوه مجریه

فصل دوم قانون اساسی استرالیا (قسمتهای ۷۰-۶۱) به تشریح قوه مجریه می‌پردازد. قوه مجریه در استرالیا بطور عمده از نخست وزیر، وزرای هیئت دولت و نهادهای دولتی و حکومتی اجرائی تشکیل می‌شود.^(۳) قانون اساسی استرالیا عنوان می‌دارد که قدرت اجرائی در استرالیا در اختیار ملکه بریتانیا است که از طریق نماینده وی (فرماندار کل) قابل اجراء است و حفاظت از قانون اساسی و قوانین دولت فدرال می‌گردد.^(۴) اگرچه قسمت ۶۲ قانون اساسی استرالیا شورای اجرائی فدرال را برای ارائه توصیه به فرماندار کل در زمینه امور دولتی و حکومتی در نظر گرفته است، در عمل این شورا از تعداد محدودی وزرای هیئت دولت و فرماندار کل تشکیل می‌شود و در اساس کار اجرائی توسط هیئت دولت فدرال که مجموعه‌ای از نخست وزیر و وزای متعددی می‌باشد، صورت می‌گیرد. اگرچه ملکه بریتانیا و فرماندار کل دارای اختیارات اجرائی بر طبق قانون اساسی هستند، فرماندار کل به عنوان نماینده ملکه بریتانیا در عمل بر اساس توصیه‌های نخست وزیر و وزرای هیئت دولت عمل می‌نماید. این به دلیل پیروی از اصل

Gooray, op. cit., pp.12-130-۲

Lane, Op. cit., P.208. - ۱

۳- با وجود اهمیت نقش اجرائی نخست وزیر و وزرای هیئت دولت ذکرى از نخست وزیر و هیئت و دولت در قانون

۴- قسمت ۶۱ قانون اساسی استرالیا.

اساسی استرالیا نیامده است.

شناخته شده به عنوان "دولت مسئول"^(۱) است. بر اساس این اصل دولت اجرائی فدرال متشکل از نخست وزیر و وزرای هیئت دولت در مقابل پارلمان فدرال مسئول می‌باشد. بنابراین اصل مسئولیت دولت ایجاب می‌نماید که دولت اجرائی فدرال از اختیارات تصمیم‌گیری برخوردار باشد تا در مقابل اختیارات خود دارای مسئولیت نیز باشد. به ویژه گروه مخالفی در هر دو مجلس وجود دارد که به بررسی عملکرد نخست وزیر و وزرای هیئت دولت می‌پردازند.

همچون نظام "وست مینستر" بر اساس رویه موجود رهبر حزب اکثریت در مجلس نمایندگان استرالیا به عنوان نخست وزیر این کشور برگزیده می‌شود و نخست وزیر نیز از میان اعضای حزب اکثریت وزرای هیئت دولت را انتخاب می‌نماید. وزرای هیئت دولت می‌توانند از میان اعضای مجلس نمایندگان و یا مجلس سنا انتخاب شوند.^(۲) بنابراین اعضای قوه مجریه در اساس عضو پارلمان استرالیا می‌باشند. بدین ترتیب تفکیک قوای مقننه و مجریه بطور کامل در نظام حکومتی استرالیا موجود نیست. این موضوع واقعیت بیشتری می‌یابد، وقتی به این نکته توجه شود که پیرو وضع قوانین از سوی پارلمان استرالیا دولت اجرائی دارای اختیار وضع قوانین فرعی، مقررات و آئین نامه‌ها می‌باشد. به دلیل ریشه‌گیری دولت اجرائی از پارلمان استرالیا است که به نظام حکومتی استرالیا "دولت پارلمانی" نیز گفته می‌شود. در ضمن برخی قدرتهای صلاحیتی دولت اجرائی فدرال نیز وجود دارد که شباهت‌هایی را به قدرتهای قضائی یا شبه قضائی دارند. برای نمونه کمیسیون داوری و آشتی در مقام حل و فصل اختلافات موجود در روابط صنعتی ترکیبی از صلاحیت‌های شبه قانونگذاری و شبه قضائی را اجراء می‌نماید به نحوی که تصمیمات این کمیسیون برای طرفین اختلاف لازم الاجراء است.^(۳) صلاحیت مشابه صلاحیت مذکور نیز در زمینه دیوان رویه‌های تجاری صادق است. این دیوان رویه‌های تجاری را تحت کنترل در می‌آورد و تصمیمات این دیوان گرچه در

1- The Principle of Responsible Government.

۲- چنین برداشتی از قسمت ۶۴ قانون اساسی استرالیا می‌باشد.

3- Sawyer A.O., Geoffry, The Australian Constitution, Canberra, Australian Government Publishing Service, 1988, p.27.

چهارچوب قدرتهای اجرائی است، ولی به اجرای صلاحیت‌های قضائی شبیه است.^(۱)

۳-۵- قوه قضائیه

فصل سوم قانون اساسی استرالیا (قسمتهای ۸۰-۷۱) به قوه قضائیه اختصاص یافته است. قوه قضائیه نهادی است که دارای قدرت قضائی می‌باشد. قدرت قضائی به مفهوم قدرت در تصمیم‌گیری در موارد اختلاف بر اساس قواعد حقوقی موجود می‌باشد، به گونه‌ای که دارای قابلیت اجرائی مؤثر باشد.^(۲) بر اساس قسمت ۷۱ قانون اساسی استرالیا قوه قضائیه در سطح حکومت فدرال این کشور از دیوانعالی استرالیا، دادگاههای فدرال (که توسط پارلمان فدرال برقرار می‌گردند) و دادگاههایی که بر اساس تصمیم پارلمان دارای صلاحیت‌های فدرالی می‌گردند، تشکیل می‌شود. بالاترین مقام قضائی در استرالیا دیوان عالی این کشور است که مقرر آن در کابرا پایتخت استرالیا می‌باشد. اعضای این دیوان بنابر توصیه هیئت دولت از سوی فرماندار کل تعیین می‌شوند و تنها بر مبنای تصمیم هر دو مجلس نمایندگان و سنا امکان انفصال آنها وجود دارد.^(۳) بهر حال چنین صلاحیتهایی برای قوه مجریه و مقننه، استقلال کامل قوه قضائیه را مورد سؤال قرار می‌دهد. قدرت قضائی دولت فدرال استرالیا بطور عمده بر اساس قسمتهای ۷۵ و ۷۶ قانون اساسی تعیین می‌شود. قسمت ۷۵ موارد صلاحیتهای اساسی دیوان عالی را تعیین می‌نماید. بر این اساس دیوان عالی در زمینه مسائل مربوطه به معاهدات، کنسولها و نمایندگان کشورهای خارجی، مسائل میان دولتهای ایالتی یا میان افراد ساکن در ایالت‌های متفاوت یا میان یک دولت ایالتی و شخص مقیم در ایالت دیگر، و نیز در زمینه موارد اختلافات که یک طرف آن دولت فدرال یا مقام مسئول آن باشد، دارای صلاحیت رسیدگی است. قسمت ۷۶ نیز این اختیار را به پارلمان فدرال می‌دهد که با وضع قوانین صلاحیت دیوان عالی را در زمینه‌های ذیل توسعه دهد: الف - موارد اختلاف نظر ناشی از قانون اساسی یا تفسیر آن، ب - مسائل ناشی از قوانین وضع شده از سوی پارلمان فدرال، ج - موضوعات مربوط به صلاحیت‌های دریائی، و نیز د - هر موضوعی که در ارتباط با قوانین دولتهای ایالتی می‌باشد.

۱- همان منبع.

۲- همان منبع.

۳- قسمت ۷۲ قانون اساسی استرالیا. در حال حاضر دیوان عالی دارای ۷ عضو می‌باشد و تصمیمات بر اساس اکثریت

بدین ترتیب دیوان عالی قادر است که مشخص نماید آیا یک قانون دولت فدرال یا دولت ایالتی ناقض قانون اساسی می‌باشد یا خیر. همچنین دیوان عالی می‌تواند اظهار نظر کند آیا پارلمان دولت فدرال در حدود اختیاراتش در وضع قوانین عمل نموده است، یا آیا یک سناتور مجلس سنا یا یک نماینده مجلس نمایندگان صلاحیت‌های اساسی را برای چنین مقامی از دست داده است، و یا آنکه آیا قانون دولت فدرال یا دولت ایالتی تضمین ارائه شده در قانون اساسی در رابطه با تجارت آزاد میان دولتهای ایالتی را نقض می‌نماید.^(۱)

در بیان صلاحیت‌های دیوان عالی همچنین ابراز می‌شود که این دیوان بطور کلی دارای سه نوع صلاحیت رسیدگی است. ابتدا آنکه برخی قضایای حقوقی به موجب قانون اساسی یا به موجب قانون پارلمان فدرال جهت حل و فصل به دیوان عالی ارجاع می‌گردند. دوم آنکه دیوان عالی دادگاه پژوهشی برای احکام دادگاه‌های فدرال است.^(۲) سوم آنکه دیوان عالی یک دادگاه پژوهش از احکام دادگاههای عالی ایالتها^(۳) و نیز دادگاههای ایالتی دیگر که به موجب قانون پارلمان فدرال صلاحیت‌های فدرالی را اجراء می‌نمایند، می‌باشد.^(۴)

پارلمان فدرال می‌تواند صلاحیت‌های لازم را به دادگاههای ایالتی اعطاء نماید تا در زمینه امور فدرال قضایای مورد اختلاف را مورد بررسی قرار داده و در مورد آنها تصمیم‌گیری نمایند.^(۵) پارلمان فدرال بر اساس قسمت (۱) ۷۷ قانون اساسی دادگاه فدرالی را بر پا نموده است که به مسائل ناشی از قوانین بازرگانی دولت فدرال رسیدگی می‌کند. در همین رابطه دادگاه خانواده نیز تشکیل گردیده است تا اختلاف خانوادگی را مورد حل و فصل قرار دهد. شعبه‌های دادگاههای فدرال در مراکز ایالتها مستقر می‌باشند.

1-Gooray, Op. cit, p.4

۲ - قسمت (۳) ۷۷ قانون اساسی استرالیا.

3- State Supreme Courts.

4-Sawer, Op. cit., p.30

۵ - قسمت (۳) ۷۷ قانون اساسی استرالیا.

۶- دولتهای ایالتی و محلی

دولتهای ایالتی و محلی نیز به نوبه خود نقش خویش را در چهارچوب نظام فدرال استرالیا ایفاء می‌نمایند. دولتهای ایالتی توسط قانون اساسی استرالیا به رسمیت شناخته شده‌اند. در نظام فدرال اساس روابط میان دولت فدرال و دولتهای ایالتی از اهمیت زیادی برخوردار است و هماهنگی این نظام وابسته به همکاری این دولتهاست. دولتهای محلی نیز گرچه بطور مستقیم در قانون اساسی استرالیا مورد اشاره قرار نگرفته‌اند، بر اساس رویه‌های موجود در استرالیا به عنوان نهادهای حکومتی ناحیه‌ای شناخته شده‌اند و اختیارات و وظایف خود را در حوزه‌های صلاحیتی خود به اجرا در می‌آورند.

۱-۶- دولتهای ایالتی

دولتهای ایالتی دارای قوانین اساسی خود می‌باشند که پایه آنها را رویه‌های موجود تشکیل می‌دهد. قدرتهای ایالتی بر اساس این قوانین اساسی تعیین می‌شوند. اگرچه قانون اساسی استرالیا ادامه حیات قوانین اساسی دولتهای ایالتی را تضمین نموده است، قوانین اساسی این دولتها نایستی خارج از چهارچوب قانون اساسی مورد بررسی و تفسیر قرار گیرند. دولتهای ایالتی دارای پارلمان خاص خود می‌باشند. پارلمان ایالتیهای استرالیا مورد بررسی و تفسیر قرار گیرند. دولتهای ایالتی دارای پارلمان خاص خود می‌باشند پارلمان ایالتیهای استرالیا (به جزء ایالت کوئینزلند) دارای دو مجلس قانونگذاری می‌باشد که "مجمع قانونگذاری"^(۱) و "شورای قانونگذاری"^(۲) نام دارند. ایالت کوئینزلند مدتهاست که شورای قانونگذاری خود را کنار گذاشته است و در حال حاضر فقط یک مجلس قانونگذاری دارد. روش وضع قوانین در پارلمان دولتهای ایالتی شبیه روشی است که در پارلمان فدرال دنبال می‌شود. برای تأیید قوانین وضع شده از سوی پارلمان یک دولت ایالتی نیز فرماندار آن ایالت نقش فرماندار کل در سطح استرالیا را در زمینه آن ایالت اجراء می‌نماید. پارلمان دولتهای ایالتی از اختیار قابل توجهی در وضع قوانین برخوردار می‌باشد و پارلمان ایالتی می‌تواند در زمینه هر موضوعی که مربوط به آن ایالت باشد، قانون وضع نماید. بهرحال این اختیار قانونگذاری مطلق نبوده

۱- The Legislative Assembly که به "The Lower House" نیز معروف می‌باشد.

۲- The Legislative Council که به "The Upper House" نیز گفته می‌شود.

و تابع قانون اساسی استرالیا است.

بر اساس قسمت ۱۰۸ قانون اساسی استرالیا، قوانین دولتهای ایالتی در مواردی که تحت صلاحیت قانونگذاری پارلمان فدرال می‌باشند، تازمانی که این پارلمان قوانینی را در آن موارد وضع نکرده است، دارای اعتبار می‌باشند. بهرحال قوانین دولتهای ایالتی نیاستی ناسازگار با قوانینی دولت فدرالی باشد. در صورت چنین تعارضی قوانین دولت فدرال دارای قدرت اجرائی است.^(۱) چنین قاعده‌ای شامل آن قوانینی است که دولت فدرال دارای صلاحیت وضع آنها می‌باشد. بدین ترتیب برای نمونه اگر قوانین دولت فدرال در رابطه با موضوعات درج شده در قسمت ۵۱ قانون اساسی باشد، این قوانین در صورت وجود تعارض با قوانین دولتهای ایالتی از قدرت اجرائی برخوردار هستند. در ضمن برخی موضوعات دیگری نیز هستند که پارلمان ایالتی صلاحیت وضع قوانین در مورد آنها را ندارد. برای مثال پارلمان ایالتی نمی‌تواند عوارض گمرکی و عوارض بر کالاها را مورد قانونگذاری قرار دهد،^(۲) و نیز قادر نمی‌باشد که بدون رضایت پارلمان فدرال نسبت به استقرار نیروهای دفاعی اقدام نماید.^(۳) با این وجود دامنه قانونگذاری پارلمانهای ایالتی قابل توجه است و موضوعاتی چون آموزش، اداره دانشگاهها و بیمارستانها، نیروهای پلیس، حمل و نقل و ارائه خدماتی چون توزیع برق را در بر می‌گیرد.

نحوه تعیین دولت اجرائی هر ایالت نیز شبیه دولت اجرائی فدرال است و مسئول اجرائی در رأس آن وجود دارد.^(۴) بهرحال ارتباط میان این مسئول و اعضای دولت اجرائی هر ایالت با فرماندار آن ایالت مشابه با روابط موجود در سطح دولت اجرائی فدرال و فرماندار کل است. دادگاههای ایالتی نیز بر طبق قوانین کیفری و مدنی هر ایالت عمل می‌نمایند و در صورت لزوم اختیار رسیدگی به امور فدرال نیز از سوی پارلمان فدرال به آنها تفویض می‌شود.

۲-۶- دولتهای محلی

در قانون اساسی استرالیا ذکری از دولتهای محلی به عمل نیامده است. با این وجود رویه‌های مستقر در نظام حکومتی استرالیا در طول بیش از دو قرن نشان از

۲- قسمت ۹۰ قانون اساسی استرالیا.

۱- قسمت ۱۰۹ قانون اساسی استرالیا.

۴- این مسئول اجرائی ایالتی Premier نامیده می‌شود.

۳- قسمت ۱۱۴ قانون اساسی استرالیا.

پذیرش این سطح حکومتی در نظام دولتی استرالیا دارد. این دولتهای محلی کوچکترین سطح دولتی در استرالیا را تشکیل می‌دهند که دارای حوزه‌های اجرایی خود می‌باشند. بهرحال دولتهای محلی سعی در حفظ روابط خود با دولتهای ایالتی مربوطه شان دارند تا از کمک‌های مالی دولتهای ایالتی برخوردار گردند. در ضمن دولتهای ایالتی ممکن است در صورتی که به صلاح مردم منطقه بدانند نسبت به تغییر دولتهای محلی اقدام نمایند. چنین اقدامی بطور معمول به دنبال عمل غیر قانونی و یا تخلفی از سوی مقامهای دولتهای محلی صورت می‌گیرد.

دولتهای محلی در واقع در چهارچوب نظام شهرداری‌ها و شوراهای شهری به انجام وظایف خود می‌پردازند. دولتهای محلی توسط افراد ساکن در یک شهر^(۱) یا منطقه^(۲) انتخاب می‌شوند. جزء کوچکتر آنها نیز بخش^(۳) نام دارد. اعضای این دولتهای محلی به عنوان اعضای انجمن شهرداری^(۴) نامیده می‌شوند و ریاست چنین انجمنی نیز با شهردار^(۵) می‌باشد که توسط اعضای مزبور انتخاب می‌شود. در عمل دولتهای محلی ارتباط نزدیکی را با مردم در مقایسه با دولتهای فدرال و ایالتی دارند. این بدان دلیل است که تصمیمات دولتهای محلی در زمان کوتاهی تأثیر خود را بر مردم منطقه می‌گذارد. از این نظر تصمیمات مزبور ممکن است با واکنش‌های مثبت و یا منفی مردم منطقه روبرو شوند. برای نمونه تصمیم یک دولت محلی در توسعه یک منطقه ممکن است لطماتی را به محیط زیست وارد نماید و از این نظر چنین تصمیمی با اعتراض مردم منطقه روبرو شود. بدین ترتیب دولت محلی در تصمیم‌گیری‌هایش باید مصالح و منافع مردم منطقه را در نظر گیرد.

۷- نتیجه‌گیری

از آنچه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت، روشن می‌گردد که طراحان قانون اساسی استرالیا در برقراری نظام حکومتی این کشور به دنبال استقرار یک نظام فدرال هماهنگ^(۶) بوده‌اند. هدف این طراحان در ارائه چنین نظام هماهنگی آن بوده است که قدرتهای مرکزی و منطقه‌ای در چهارچوب نظام فدرال به اجرای اختیارات و

1-Municipality.

2- Shire.

3- Ward.

4- Alsermen.

5-Mayor.

6- A Coordinate Federal System.

صلاحیتهای خود پردازند و تا حد امکان از هر گونه انطباق و تعارض صلاحیت‌ها جلوگیری گردد. بهرحال این پیش بینی صورت گرفت که یک نظام فدرال ممکن است با مسائلی در زمینه تصمیم‌گیری روبرو شود و بنابراین نیاز به یک ابزار قانونی برای حل و فصل اختلافات ناشی از تصمیم‌گیری در میان سطوح مختلف دولتی در استرالیا بود. در این راستا بود که دیوان عالی استرالیا به عنوان مرجع صلاحیت دار انتخاب گردید تا در صورت هر گونه اختلاف نظر در اجرای صلاحیت‌های دولت فدرال و دولتهای ایالتی، تصمیم نهائی را در چهارچوب قانون اساسی استرالیا اتخاذ نماید. با اتخاذ این روش نظام فدرال استرالیا که در اول ژانویه ۱۹۰۱ میلادی متولد گردید، تاکنون به حیات خود ادامه داده است. قانون اساسی استرالیا تاکنون ۸ مورد اصلاح را به خود دیده است که ارتباطی به نظام حکومتی فدرال استرالیا نداشته‌اند. بهرحال ممکن است اصلاحات جدیدی در قانون اساسی استرالیا صورت گیرد، اگر پیشنهاد طرح شده در تغییر نظام استرالیا به جمهوری (فدرال) بر اساس همه پرسی از سوی مردم استرالیا پذیرفته شود. همانگونه که اشاره رفت مردم استرالیا در همه پرسی ۶ نوامبر ۱۹۹۹ میلادی دارای این فرصت بودند که در زمینه تغییر نظام حکومتی خود از نظام فدرالی تحت کنترل تحت کنترل بریتانیا به نظام جمهوری فدرال مستقل از بریتانیا اظهار نظر نمایند. اگرچه به دنبال جنبشهای جمهوری خواهی در استرالیا حمایت قابل توجهی از چنین تغییری بعمل آمد اکثریت لازم آراء برای تغییر مزبور حاصل نگردید. به هر حال به نظر می‌رسد که تغییر نظام حکومتی استرالیا به جمهوری فدرال در آینده نزدیک متحمل است، بدون آنکه تغییر اساسی در رویه حکومتی فدرال استرالیا بوجود آید.

منابع

- Australia's Constitution, Overview. Canberra, Australian Government Publishing Service, 1995.
- Bell, Roger and Ralph Hall, Impacts:Contemporary Issues & Global Problems, Milton, The Jacaranda Press,1991.
- Benton, W.,The Newence Of Britanica, Vol.5.London, 1947.
- Blackburn, Robert and Raymond Plant (ed.), Constitutional Reform: The Labour Government's Constitutional Reform Agenda, Longman, London - New Yourk, 1999.
- Das Basu, Durga, Comparative Constitutional Law, Prentice Hall of India Private Limited, New Delhi,1984.
- David, Rene and John E. C. Brierley, Major Legal Systems in the World Today: An Introduction to the Comparative Study of Law, Stevens & Sons, London,1985.
- Dessemontet, F. and T. Ansay (eds), Introduction to Swiss Law , Second Revised Edition, Kluwer Law International, The Hague, 1995.
- Gooray Mark, " The Crown, Parliament and Constitutional Reform". A Seminar on" Change the Constitution?" University of Sydeny, 9 July 1988.
- Howard, Colin, Australian Federal Constitutional Law, 3 rd ed., The Law Boom Company Loimited, Sydney,1985.
- International Encyclopaedia of Laws: Texts of Constitutions (1), Australia: Text of the Constitution, Kluwer Law International, The Hague, 2000.
- International Encyclopaedia of Laws:Volume 1: Constitutional Law,Australia, Kluwer Law and Taxation Publishers, Deventer - Boston, February 1993.
- Lane, P.H, An Introduction to the Australian Constitution, Sydney, The Law Book Company Limited, 1994.

- Meek, Michael K.,The Australian Legal System,2nd ed.,The Law Book Company Limited, 1994.
- Munro, Colin R.,Studies in Constitutional Law, Butterworths, London,1987.
- Sawer A.O.,Geoffrey, The Australian Constitution, Canberra, Australian Government Publishing Service,1988.
- The Commonwealth of Australia Constitution Act 1900.
- The International Directory of Government,Australia, ications Limited, 3rd edition, London, 1999.
- Yardley, D.C.M.,Introduction to British Constitutional Law, 6th edition, Butterworths,1984.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی